



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

عليه السلام حسين بن علي

# مذبوح گناه

مسعود شفيعی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# حسین بن علی (ع) مذبح گناه

نویسنده:

مسعود شفیعی کیا

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی تبیان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	حسین بن علی (ع) مذبوح گناه
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	معضل سربچی از اولوالامر
۷	علت سربچی از اولوالامر
۸	پدیده گناه و تغییر قضای جامعه
۹	گناه و بی بصیرتی
۱۰	مبارزه، با رفاه طلبی سازگار نیست
۱۰	عامل بازدارنده تکرار تاریخ
۱۱	علت تأخیر ظهور ولی عصر
۱۲	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## حسین بن علی (ع) مذبح گناه

### مشخصات کتاب

عنوان: حسین بن علی (ع) مذبح گناه  
 پدید آورندگان: امام سوم حسین بن علی (ع) (توصیف گر)  
 مسعود شفیعی کیا (پدید آور)  
 وضعیت نشر: قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷  
 نوع: متن  
 جنس: مقاله  
 الکترونیکی  
 زبان: فارسی  
 صاحب محتوا: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان  
 توصیفگر: تاریخ اسلام  
 قیام عاشورا

### مقدمه

چه شد که کار امت اسلامی به آن جا کشیده شد که حسین بن علی (ع) فرزند پیامبر اسلام (ص) یگانه و تنها در مقابل جمهور و اکثریت غالب آنان قرار گرفت و به دست آنان به شهادت رسید؟ آن چیزی که بدیهی است تأمل و دقت در این قضیه، انسان را به هوشیاری و عبرت گیری از تاریخ فرا می خواند چرا که قرآن کریم در ارتباط با تاریخ گذشتگان می فرماید: (فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ) قرآنی که در زمینه داستان و تاریخ هایی که از جهت عظمت کم اهمیت تر و سطحی تر از این قضیه عظیم هستند دعوت به تجربه گیری و اعتبار می نماید، مطمئناً درباره داستان تکان دهنده و فاجعه عاشورا که حرارت و گرمای آن هیچ گاه از دل مؤمنان راستین خارج نمی شود - ما را به اعتبار و پند آموزی بیشتری دعوت می نماید. لذا مقام معظم رهبری نیز در این راستا بارها در مناسبت های مهم، جامعه را به عبرت گیری از این ماجرا فرا خوانده اند. بنابر این در این مباحث بر آن شدیم که مقداری در مورد این مسئله حیاتی که تداوم انقلاب اسلامی نیز به آن وابسته است یک بررسی اجمالی بنماییم تا دیگر بار در تاریخ انقلاب اسلامی شاهد این ظلم ها و ستم ها نباشیم.

### معضل سرپیچی از اولوالامر

مسئله سرپیچی از اولوالامر حادثه ای نبود که تنها در زمان حضرت سیدالشهداء (ع) وجود داشته باشد، بلکه به صورت یک بلا و معضل بشری در جوامع مدنی و غیر مدنی وجود داشته است و در دوران مصلحین و پیامبران پیش از اسلام نیز مشهود بوده است که قرآن نیز در قصص خود به ذکر بعضی از آنان پرداخته و حتی در زمان پیامبر اکرم (ص) و در دوران امیر المؤمنین و امام حسن مجتبی (ع) وجود داشته و دارد، لیکن این معضل و بیماری فرهنگی در دوران حضرت حسین بن علی (ع) به اوج خود رسید. ولی روی هم رفته اگر ریشه اصلی و روانشناسانه تمام این مسائل را پی گیری نماییم، به یک وجه مشترکی خواهیم رسید که در این مقام برای

این که بررسی و تحقیق کار شناسانه‌ای داشته باشیم ناچاریم از نظرات روانکاوانه قرآن کریم استفاده نموده تا در زلال آیات روح افزا و احیاگر آن طهارت جانمان حاصل آید

### علت سرپیچی از اولوالامر

در بیان روشن گر قرآن حکیم، خداوند متعال علت ناسازگاری مردم با پیامبر اکرم (ص) را مطرح می‌فرماید: (فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ) اگر در خواست هایت را (ای پیامبر) اجابت نکردند بدان که به تحقیق تبعیت هواهای نفسانی خود را نموده‌اند. در این جا تنها علت سر پیچی را دنباله روی خواهش های نفسانی آنها می‌داند. در مناسبتی دیگر، انگیزه روی گردانی و تمرد مردم از فرامین رسول معظم اسلام (ص) در جنگ احد را نیز این گونه بیان می‌فرماید: (إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ، إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا). آنان که در روز جنگ (احد) به شما (ای پیامبر) پشت کردند و سر پیچی نمودند، تحقیقاً این تمردشان به خاطر گناهانشان بود که شیطان آنان را لغزاند. در این جا نیز تنها علت سرکشی و نافرمانی مسلمین از دستورات حضرت پیامبر را، گناهان و تابعیت خواهش نفسانی دانسته است. چون گناهان، روح عبودیت را در انسان مسخ می‌گرداند. بنابر این اطاعت از اولوالامر مصداق بزرگ عبادت و به فرموده خداوند متعال ملاک دوستی خداوند می‌باشد: (قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ) بگو (ای پیامبر) اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد و گناهانتان را ببخشد. لذا درون آلوده و دل ناپاک از این عبادت عظمی سر باز می‌زند و ناخواسته مرتد می‌گردد، زیرا مرکز گرایشات انسان (قلب) باصرار بر گناه و دوری از توبه و انابه تیره و تار می‌شود. بنابر این چون سنخیتی بانور ندارد نمی‌تواند دوستار نور و آیات نورانی خدا (اولوالامر)، باشد و بر عکس رفته رفته به ولی نعمتان خود پشت می‌کند و با آنها به عداوت برمی‌خیزد که این مطلب نیز قرآن کریم با الفاظ اعجازی خود این گونه بیان می‌فرماید: (ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أسَاؤُا اللُّسُوَاىِ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ). پس عاقبت کسانی گناه کارند این است که تکذیب آیات خداوند را می‌نماید و کافر می‌شوند و آیات الهی را به استهزاء و مسخره می‌گیرند. در این آیه شریفه خداوند متعال صراحتاً نتیجه گناه و هواپرستی را به کفر رسیدن می‌داند، امیر المؤمنین (ع) هم در ارتباط با تبعیت از هوای نفس فرموده‌اند: (أَمَّا أَتْبَاعُ الْهَوَىٰ فَإِنَّهُ يَصِيدُ عَنِ الْحَقِّ) «اما، تبعیت از هوای نفس، پس قطعاً انسان را از حق دور می‌کند.» با این تفصیل روشن شد که نفس هوا پرستی که به شکل رذائلی از قبیل شهوت رانی، حرام خواری، خود خواهی، عصبیت، مقام پرستی و امثال اینها ظهور می‌کند، زمینه‌ساز تکذیب و مقابله با حق می‌باشد. اگر چه انسان علی الظاهر نماز خوان و مسلمان و مؤدب به آداب اسلامی باشد، لیکن در باطن تدریجاً میل به باطل پیدا می‌کند و از حق دور می‌شود نهایتاً حق و اهل (آن را) تکذیب می‌نماید و حتی تحمل و ادب شنیدن حرف حق را هم ندارد. لذا در داستان پرسوز کربلا وقتی سید الشهداء (ع) در روز عاشورا حین ایراد خطبه پای کوبی و هلهله قوم مواجه شد علت گوش نگرفتن سخنانشان را توسط اهل کوفه، این چنین بیان می‌فرماید: (وَيَلْكُمْ، مَا عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْصِتُوا إِلَيَّ فَتَسْمِعُوا قَوْلِي وَإِنَّمَا أَدْعُوكُمْ إِلَى سَبِيلِ الرَّشَادِ وَ كَلِّكُمْ عَاصٍ لِأَمْرِي غَيْرَ مُسْمِعٍ قَوْلِي فَقَدْ مَلِئْتُ بُطُونَكُمْ مِنَ الْحَرَامِ وَ طَبِعَ عَلَى قُلُوبِكُمْ). روای بر شما که گوش نمی‌دهید به من و گفتارم را نمی‌شنوید در صورتی که تحقیقاً من شما را به راه هدایت فرا می‌خوانم. تمام شما نسبت به من نافرمان هستید و سخنان مرا گوش نمی‌دهید. پس به تحقیق شکم های شما از مال حرام پر شده است و بر قلب ها و دل ها شما مهر خورده که دیگر کلام حق را نمی‌فهمید). حضرت با دید امامتی خود علت عصیان مسلمین کوفه را با وجود این که تا حدودی حقانیت حضرت را می‌دانستند، حرام خواری که در نتیجه اباحه گری و تساهل آنان به وجود آمده بود بر می‌شمارد. این حرام خواری بود که موجب کور شدن بصیرت و روشنایی دل آنها گشته و در مقابل سخنان پر ارزش حضرت به پای کوبی و دست افشانی پرداختند و از نصایح آن حضرت بهره‌ای نبردند، زیرا هواطلبی و شهوت رانی مرکز بیش آنان (عقل) را نابود ساخته و قدرت تفکر که بالاترین وظیفه آدمی

است را از آنان سلب نموده بود، لذا از شرف هدایت بی بهره بودند. در این باره به سخنان و خطابه آتشین حضرت فاطمه زهرا (س) باید اشاره کرد که ایشان در باز گویی علت بی تفاوتی و عدم کمک و یاری مسلمین به امیرالمؤمنین (ع) در قضیه غصب خلافت می فرماید: (مَعَاشِرَ النَّاسِ! الْمُسْرِعَةُ إِلَى قَيْلِ الْبَاطِلِ، الْمُغْضِبَةُ عَلَى الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ، أَفَلَا تَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا، كَلَّا بَلْ رَأَى عَلَى قُلُوبِكُمْ مَا أَسْرَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ فَأَخَذَ بِسَيْمِعِكُمْ وَأَبْصَارِكُمْ) «ای مردم! که برای شنیدن حرف باطل و بیهوده شتابانید و کردار زشت و زیان آور رانادیده می گیرید، نهی از منکر نمی کنید! آیا در قرآن نمی اندیشید یا آن که بر دل ها مهر زده شده؟ خیر بلکه آنچه از اعمال زشت انجام داده‌اید و گناهانتان تیرگی بر دل های شما زده است و گوش ها و چشمایتان را گرفته است.» روی هم رفته اثر فردی گناه که بازده اجتماعی نیز دارد، دور کردن انسان از حق و اهل حق می باشد. به فرموده مقام معظم رهبری در دو بُعد اثر آن تجلی می کند: یکی در بعد معنوی روح انسان را کدر می سازد و از حقیقت و اهل آن دور کرده و فهم و ادراک شخص را دچار کدوم می کند و دیگر در بعد مبارزات اجتماعی و حرکت زندگی است که نیاز به اقتدار و استقامت دارد. چون روح شخص گناه کار اسیر هوا و هوس است نمی تواند آزادانه و قهرمانانه در صحنه‌های سر نوشت ساز و رویا رویی حق و باطل حضور داشته باشد، بلکه در این میدان مغلوب می باشد. و چنان که مولای متقیان علی (ع) می فرماید: «عَبِيدُ الشَّهْوَةِ أَدْلُ مِنْ عَبِيدِ الرَّقِّ»، «پند شهوت ذلیل تر از برده و اسیر می باشد.» «أَغْلَبُوا أَهْوَاءَكُمْ وَهَارِبُوهَا، فَإِنَّهَا أَنْ تَقِيْدَكُمْ تَوَرَدُكُمْ مِنَ الْهَلَكَةِ أُنْبَعْدُ غَايَةً»؛ بر هواهای خود غالب شوید و از آن فرار کنید که حتماً اگر شما گرفتار هوا و هوس گردید شما را به هلاکت باز نگشتنی دچار خواهد نمود). بنابراین این علت پس زدن و جواب ندادن بشریت به اولوالامر آلودگی آنان در شهوات و هواپرستی می باشد که پاکیزه‌کننده گام‌هایشان می شود که این واقعیت در خصوص حضرت ابا عبدالله (ع) ظهور تام، و تجلی بسیاری یافت تا جایی که برخی از صحابه پیامبر اکرم (ص) و جماعتی از مسلمانان نماز خوان و حافظ قرآن - که تلاوت زیبایی هم داشتند - در مقابل حضرت و خاندان مطهرش قرار گرفته و بر آن مظلوم شمشیر عداوت و کینه کشیدند. لذا به این مطلب نیز حضرت زینب کبری (س) در جواب یزید بن معاویه (علیه اللعنه) هنگامی که با خیزران برب و دندان حضرت سید الشهداء (ع) می کوبید فرموده: (أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ؛ صِدْقَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ حَيْثُ يَقُولُ: (ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ- أَسَاؤُا السُّوَأَى أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا يَسْتَهْزِئُونَ)؛ حمد و سپاس مخصوص و ویژه خدایی است که پروردگار جهانیان است و خدا رحمت و درود فرستد بر فرستاده خدا و بر خویشاوندان او. خدایی که از هر عیب و نقصی پاک می‌دانم. راست گفت آن جایی که می فرماید: پس عاقبت کسانی که گناه کارند این است که تکذیب آیات خداوند را می نمایند و کافر می شوند و آیات الهی را به استهزاء و مسخره می گیرند.» همان طور که ذکر شد حضرت زینب کبری (س) با اشاره به این آیه، علت گستاخی و بی حیایی ملت را در مقابل ولی امر خود، همان گناه کرداری و طغیان و بد کرداری آنان دانسته است.

### پدیده گناه و تغییر قضای جامعه

با این حال می توان نقش گناه و هوا پرستی را در حادثه کربلا با تمام وجود لمس کرد و علت اساسی وریشه های آن را درک نمود. البته به پدیده گناه تاثیر آن در کربلا از منظر دیگر نیز می توان نگرست و آن تاثیر در قضای الهی و مقدرات زندگی است. چرا که طبق نص صریح قرآن، خداوند تقدیرات اقوام را به واسطه اعمال آنها تغییر می دهد: «... إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ تحقیقاً خداوند تغییر نمی دهد احوال قومی را مگر این که خود آن قوم احوال خود را تغییر دهند. هم چنین فرموده: «وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ»؛ اگر روی گردانید، به جای شما قومی دیگر را که مانند شما نباشند جایگزین می نمایم. از آن جایی که ثابت شد گناه موجب روی گردانی و سرپیچی از اوامر الهی می گردد، این سرپیچی ها و تمردها باعث می شوند که خداوند نعمت و برکت پاسداری از دین و میزبانی او را از یک قوم بگیرد و قضا را تغییر دهد. در تفسیر همین آیه



شریفه، حضرت امام باقر و امام صادق (ع) فرموده‌اند: «پشت کردن مردم عرب تحقق پیدا کرد و خداوند به جای آنها موالی یعنی ایرانیان را فرستاده و آنها از جان و دل اسلام را پذیرفتند». همان طور که تاریخ امم و ملل شاهد بر این ادعاست که قوم بنی اسرائیل و عرب از همین قبیل اند. هر قومی که شرف و تبلیغ و صیانت از دین را نداشت و به دستورات اولوالامر بی توجه و بی اعتنا شدند، خداوند افتخار و لیاقت حفظ دینش را از آنان خواهد گرفت و به دیگران تفویض می نماید که این قاعده در ارتباط با قوم فارس (ایرانیان) نیز صدق می کند که خدای نکرده ممکن است بامبتلا شدن به خلقیات جاهلانه و آلوده شدن به منکرات و ناشایست ها نعمت و شرف امانت داری دین الهی را از دست بدهند و لایق حکام مفسد شوند و از سعادت رهبری خوبان و صالحان محروم گردند. لذا در حدیث قدسی که حضرت ختمی مرتبت (ص) روایت کرده، خداوند می فرماید: «إِذَا عَصَانِي مِنْ خَلْقِي مَنْ يَعْرِفُنِي سَلَطْتُ عَلَيْهِ مِنْ خَلْقِي مَنْ لَا يَعْرِفُنِي؛ اگر کسی از خلق من که مرا می شناسد و خدا شناس است. گناه و معصیت نماید بر او مسلط و حاکم می کنم از خلق خودم خدا شناسی را». هم چنین به فرموده امیرالمؤمنین (ع): «كَمَا تَكُونُوا يُؤَلَّى عَلَيْكُمْ؛ بر شما حاکم می شوند و حکومت می کنند آن گونه که هستید». اگر نیک و متقی باشید متقیان بر شما حکومت می کنند و اگر فاجر و فاسقین باشید بر شما حکومت خواهند کرد و این قانون الهی است که اگر خداوند به واسطه بدی و زشتی قوم آنان را بخواهد عذاب کند، بدان آن امت را بر آنان می گمارد و به فرموده قرآن حکیم: (وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَدُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا)؛ و ما اگر بخواهیم اهل دیاری را هلاک بسازیم مال اندوزان فاسق و زیاده طلب آن کشور را بر آنان مسلط می کنیم. و به آنان امر می کنیم که راه فسق و فجور را در پیش گیرند. پس این گفتار سنگین است برای آنان. لذا این گونه آنان را زیر و رو و هلاک می سازیم. به این صورت خداوند تغییر نعمت می دهد و چنین امت و جامعه‌ای را به جای امیرالمؤمنین (ع) وائمه اطهار: و رهبران فقیه و عادل، معاویه ها و یزید ها؛ را مسلط می گرداند و لیاقت امت. امام را در سرنوشت خود رقم می زند.

### گناه و بی بصیرتی

گناه نقش کلیدی و تعیین کننده ای در مظلومیت و مذبوح شدن حضرت ابا عبدالله (ع) داشته ولی در این میان علت های دیگری نیز در طول و در ارتباط با این معضل وجود داشته است که به نحوی از به گناه و معصیت ربط دارد. یکی از آن علت ها که به نوبه خود علت مهمی نیز هست بی بصیرتی و عدم دید الهی می باشد که منجر به عدم شناخت موقعیت حضرت سید الشهداء (ع) و در نتیجه عدم یاری و نصرت حضرت در آن برهه حساس شد. اگر به این پدیده نیز عمیقانه و ژرف بنگریم خواهیم فهمید که مسبب اصلی بی بصیرتی نیز تبعیت از شهوات و هواهای نفسانی بوده که ریشه اصلی آن دوری از تقوای الهی می باشد و این را قرآن این گونه بیان می فرماید: (أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصِيرِهِ غِشْوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ)؛ پس آیا دیدی کسی که هوا پرستی کرد و خداوند بنا به علمش آن را گمراه نمود و بر گوش و قلبش مهر زد و بر بصیرت و بینایی اش پرده افکند؟ پس چه کسی او را هدایت می کند بعد از خدا آیا متذکر نمی شوید؟ بی تقوایی و هواپرستی، عقل و بصیرت را کور می نماید؛ چنان که علی (ع) فرموده: «ذُهَابُ الْعَقْلِ بَيْنَ الْهَوَى وَالشَّهْوَةِ؛ از بین رفتن عقل باهمکاری هواپرستی و شهوت رانی ممکن می شود.» «عَدُوُّ الْعَقْلِ الْهَوَى؛ دشمن عقل، هوای نفس می باشد.» «لَا عَقْلَ مَعَ الشَّهْوَةِ؛ عقل و شهوت باهم یک جا جمع نمی شوند.» بر عکس، تقوا روشن کننده بصیرت ها می باشد و به فرموده قرآن: (إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا)؛ اگر تقوای خدا را داشته باشید خداوند برای شما راه تمیز حق و باطل را عنایت می فرماید. به فرموده امیرالمؤمنین (ع): «إِعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا مِنَ الْفِتَنِ وَ نُورًا مِنَ الظُّلُمِ»؛ بدانید که تحقیقاً هر کس تقوای الهی را پیشه نماید خداوند مئان برای او راه گریز از فتنه ها و نور و روشنایی درونی برای خروج از تاریکی های جهل قرار می دهد. به راستی اگر انسان دارای تقوای راستین باشد و از تقوا فقط جانماز آب کشیدن و ظاهر سازی را نفهمیده باشد و روح تقوا و روح عبادت و خالصانه زندگی کردن در وی حلول نماید

محال است که در فتنه های زمانه گمراه شود بلکه همان تقوا نیز او را به انجام واجبات - که در رأس آن واجبات، معرفت امام زمان (عج الله فرجه) می باشد - فرا می خواند. لذا در زمان ابا عبد الله (ع) اگر می بینیم عده‌ای ظاهراً باتقوا هستند ولی به حضرت کمک و یاری نمی‌رسانند و برخی هم در مقابل ایشان قرار می‌گیرند تقوا ایشان تقوای ناقص و تحریف شده می باشد، چرا که روایت نبوی (ص) معروفی که در بین تمام مسلمین حتی در آن زمان نیز مشهور بوده، چنین می فرماید: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛ اگر کسی بمیرد و امام زمان خود را نشناسد مردن او مثل مرگ جاهلیت خواهد بود). بنابر این اگر تقوای آنان تقوای راستین بوده در پی واجب خود بلکه واجب واجبات، (معرفت امام زمان (ع)) می‌رفتند و حتماً هم در این راه یابنده بودند، زیرا به فرموده قرآن: (وَالَّذِينَ جَاهِدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا)؛ و کسانی که در راه ما (خداوند) تلاش و جهاد نماید ما حتماً آنان را هدایت نموده، و به راه و خط خود آشنا می کنیم.

### مبارزه، با رفاه طلبی سازگار نیست

در این جا باید خاطر نشان کرد که شهوت مباح و طلب دنیا - و لو حلالش - نیز چنانچه از حد تعادل و اعتدال خارج شده و به افراط کشیده شود همین خاصیت را دارد و به فرموده حضرت امیر المؤمنین (ع): «صَيَاغَ الْعُقُولِ فِي طَلَبِ الْفُضُولِ؛ ضایع شدن و مضمحل شدن عقل‌ها در زیاده طلبی و تجمل گرایی است.» «أَكْثَرُ مَصَارِعِ الْعُقُولِ تَحْتَ بُرُوقِ الْمَطَامِعِ؛ بیشترین لغزشگاه های عقل در هنگام شعله ور شدن هوس و طمع هاست.» بنابر همین روایات حضرت امام (ره) فرمود: حب الدنيا حلالش نیز حجاب است. در جایی دیگر می فرماید: مبارزه با رفاه طلبی سازگار نیست. اگر فکر و ذکر انسان فقط به دنبال کسب و تجارت باشد، هر چند آن کسب حلال باشد لیکن وقتی از حد اعتدال و مقدار ضرورت خازج شود و به حد زیاده خواهی و عافیه‌طلبی برسد موجب کج فهمی و کند ذهنی انسان از درک حقایق زمانش می شود. هم‌چنین باعث می شود که شخص نتواند در وقت لازم تصمیم درست را بگیرد و از وظیفه غافل بماند. بنابر همین مطلب حضرت صادق (ع) فرموده‌اند: «رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا؛ سلسله جنبان و رئیس همه خطایا و لغزش ها حب و دوستی دنیا می باشد.» قرآن نیز در باب خصوصیت مؤمنان راستین می فرماید: (رَجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ). مردمانی هستند که تجارت و کسب و کارشان و مشغله روزمره شان آنان را از یاد و ذکر خدا غافل نمی کند. لذا در احیاء و اعتلاء کلمه الله سستی و کاهلی نمی کنند و در مبارزه با کجی ها سهل انگار نیستند، چرا که از مصادیق ذکر خداوند متعال برخوردار با کفر و شرک و ناعدالتی‌ها می باشد. بنابر این خداوند متعال هنگامی که حضرت موسی (ع) را به سوی فرعون گسیل داشت فرمود: إِذْهَبْ أَنْتَ وَأُخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَتَّبِعْ فِي ذِكْرِي تَوْبِرَادِرْتِ بآيَاتِي که به شما عنایت کردم بروید و در ذکر من سستی نکنید. باین تفصیل مشخص می شود که شخص ولایت مدار باید از خیلی مباحات و حلال ها هم چشم پبوشد.

### عامل بازدارنده تکرار تاریخ

اگر بخواهیم از قضیه عاشورا عبرت بگیریم باید دانست که هوا پرستی و خودخواهی و آلوده بودن به رذائل اخلاقی آدمی را از حق دور و در مقابل منادیان حق و رهبران الهی قرار می دهد و این قانون الهی استثنا بردار و قابل اغماض نیست. پس غفلت از آن باعث گمراهی می گردد. بنابر این فرهنگ اسلام ناب عوامل بازدارنده بروز رذائل و گناه چه در جنبه فردی و چه در جنبه اجتماعی واجب دانسته شده است که در این میان تقوا در بُعد فردی اصل مترقی امر به معروف و نهی از منکر در بُعد اجتماعی واجب گشته است. از سوی دیگر ترک آن بسیار مذمت شده تا آن جا که امیر المؤمنین (ع) هدف دین را این اصل می داند و می فرماید: «غَايَةُ الدِّينِ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَقَامَةُ الْحُدُودِ؛ هدف دین را این اصل می داند و می فرماید: «غَايَةُ الدِّينِ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَقَامَةُ الْحُدُودِ؛ هدف دین امر به معروف و نهی از منکر و برپا داشتن و اقامه حدود است.» در باب ترک این واجب نیز رسول اکرم (ص) می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيُبْغِضُ الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ فَقِيلَ: وَمَا الْمُؤْمِنُ»

الضَّعِيفِ الَّذِي لَادِينَهُ؟ قَالَ (ص): الَّذِي لَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ؛ خداوند نسبت به مومن ضعیفی که دین ندارد، خشم دارد، سؤال شد، مومن ضعیفی که دین ندارد کیست؟ حضرت فرمودند: کسی که نهی از منکر نمی‌کند.» به فرموده امیر المؤمنین (ع) در وصیت خود به حسنین (ع): «لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُولَىٰ عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُشِيبُ تَجَابُ لَكُمْ» امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید، چرا که در این صورت اشرار و افراد پست امت بر شما مسلط و حاکم می‌شوند و در این حال هر چه دعا کنید مستجاب نمی‌شود. حضرت امام رضا (ع) نیز فرمود که رسول خدا (ص) پیوسته و بارها می‌فرمود: «إِذَا أُمَّتِي تَوَاكَلَتِ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَلْيَأْذَنُوا بِوَقَاعِ مِنَ اللَّهِ؛ اگر امت من امر به معروف را به عهده هم دیگر گذارند باید در انتظار عذاب خدا باشند. احادیث و اخبار فراوان دیگری بر حیاتی بودن واجب الهی دلالت دارد که با گذر بر تاریخ عصر حضرت ابا عبد الله (ع) و نگرش بر اجتماع آن روز در خواهیم یافت که در آن جامعه نهی از منکر و امر به معروف به بهانه‌های مختلف و واهی به فراموشی سپرده شده بود و اباحه گری و تسامح و ترویج دین ستم‌ساز و سهل‌گرا و تحریف شده موجب تعطیلی این واجب اساسی گشته بود که به بروز حادثه کربلا منتهی گشت.

### علت تأخیر ظهور ولی عصر

حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - در قسمتی از نامه و توفیعیان به شیخ مفید فرموده‌اند: «... وَ لَوْ أَنَّهُ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهَهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَىٰ اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْإِيمَنُ بِلِقَائِنَا... فَمَا يَحْسِبُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَامِنَا نَكَرَهُمْ وَلَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ...؛ اگر شیعیان ما - که خدا بر طاعتش توفیقشان دهد - در وفای به عهد و پیمانی که بردوش آنهاست هم داستان و یک دل می‌شدند سعادت دیدار ما از آنان به تأخیر نمی‌افتاد... پس ما را از آنان نپنهان نمی‌دارد، مگر رفتار ناشایستی (گناهان) که خبرش به ما می‌رسد و ما را می‌آزارد.» با این فرمایش و ادله، دیگر روشن می‌شود که علت اصلی غیبت نیز گناهان و زشت کاری‌ها می‌باشد و این با مسئله مملو شدن زمین از ظلم و جور منافاتی ندارد، بلکه یک اقلیتی زبده، باایمانی ارزنده و والا لازم است تا در رکاب حضرت قرار گیرند. همان طور که شهید مطهری درباره این موضوعی فرموده‌اند: «معلوم می‌شود در عین اشاعه و رواج ظلم و فساد، زمینه‌هایی عالی وجود دارد که چنین گروه زبده را پرورش می‌دهد... این نبوده که جناح حق و عدل و ایمان باید یک سره درهم بشکند و نابود شود و اثری از صالحان و متقیان باقی نماند تا دولت مهدی ظاهر شود، بلکه آن را به صورت پیروزی جناح صلاح و عدل و تقوا بر جناح فساد و ظلم و بی بند و باری تلقی می‌کرده‌اند.» آری جناح صلاح و اقلیت شیعه باید در کوره تقوا و اجتناب از گناه آن قدر آبدیده شده باشند که مانند پاره‌های آهن و فولاد، شکافنده سینه ظالمین و فساق باشند و مصداق فرموده امیر المؤمنین باشند که فرمود: «رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ وَكَيْوُثٌ بِالنَّهَارِ؛ یاران مهدی موعود زاهدان شب و شیران روز می‌باشند.» لذا این را هم باید مد نظر قرار دهیم که همان گونه که گناه و معصیت، دشمن اولیای الهی و خاصه حضرت سیدالشهداء (ع) بود. دشمن و مانع ظهور و استقرار دولت کریمه حضرت صاحب الزمان نیز می‌باشد و تا این عامل بر انداز (گناه و معصیت) در شیعیان و خواص مسلمین باشد ظهور آن حضرت محال است، چون اگر قرار باشد این آخرین درّ صدف خلقت و حجت الهی نیز سرنوشتی مانند پدران خود داشته باشد حکمت الهی اقتضا می‌نماید که این طاووس بهشتیان در سراپرده غیب بماند. بنا بر این اگر می‌بینیم هنوز عده‌ای برخلاف استدلال عقلی و نقلی جامع، با ولایت مطلقه فقیه مخالفت می‌کنند، همه از عدم برخورداری آنان از تقوا و تزکیه نفس ناشی می‌شود و تا وقتی گرفتار هوای نفس است دل ناپاکش نمی‌تواند پذیرای نور ولایت باشد. لذا امام راحل در ارتباط با تداوم نظام جمهوری اسلامی ایران فرمودند: «جمهوری اسلامی محتاج به تربیت و تزکیه است.» در آخر امید آن را داریم که بالحاظ این هشدارهای تاریخی و با مدد از انوار فروزان قرآن و سنت در عصر انقلاب اسلامی نگذاریم تاریخ کربلا بامذبح شدن ولایت تکرار شود و در ادامه انقلاب جهانی خمینی کبیر با اطاعت از ولی امر مسلمین به انقلاب جهان گشای مهدی منتظر، برسیم و

آمادگی درک امامتی آن حضرت را داشته باشیم: «اللهم وَلِّئِن قَلْبِي لَوَلَّى أَمْرِك».

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

(ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

(ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۲۳۳۳۰۴۵) (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۰۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۹ IR

۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از

پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال،

خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی

همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش

از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند

آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

# گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

